

درمانده

ایالات متحده در آستانه یک ورشکستگی

تسریع نابرابری در جامعه آمریکا

سام پیزیگاتی^۱ روزنامه نگار کهنه کار آمریکایی و نویسنده کتاب «پرونده ای برای حداکثر دستمزد^۲»، مطالبی با عنوان «تاریخ درباره دلایل افول ایالات متحده چه می گوید؟» منتشر کرد. هدف این یادداشت، بررسی حمله به کنگره آمریکا است. در واقع، نویسنده معتقد است، آنچه باعث شد مردم به کنگره حمله کنند، این است که ایالات متحده در آستانه یک ورشکستگی قرار گرفته است و شهروندان، بیش از پیش در میان نفوذ فزاینده افراد ثروتمند و گروه های وابسته به این درک رسیده اند که آن ها، سهم کمی در جامعه دموکراتیک دارند.

سام پیزیگاتی روزنامه نگاری کهنه کار است که تا به حال، به شکل گسترده ای در مورد نابرابری اقتصادی مطلب نوشته است. سرمقاله و یادداشت های او درباره درآمد و ثروت در بسیاری از روزنامه های مهم، از نیویورک تایمز و یواس ای

تودی گرفته تا طیف وسیعی از مجلات داخلی و خارج آمریکا مانند لوموند دیپلماتیک، به چاپ رسیده است.

آخرین کتاب پیزیگاتی، «پرونده ای برای حداکثر دستمزد^۳» در سال ۲۰۱۸ است که بررسی می کند، چرا ما به درآمد بیش از حد نیاز داریم و چگونه می توانیم این درآمد را به دست آوریم؟ کتاب سال ۲۰۱۲ او با نام «ثروتمندان همیشه پیروز نمی شوند: پیروزی فراموش شده بر پلوتوکراسی^۴ که طبقه متوسط آمریکایی را در ۱۹۷۰-۱۹۰۰ ایجاد کرد»، تحولی چشمگیر در نیمه اول قرن بیستم را ردیابی می کند که موجب کاهش ثروتمندان آمریکا شد. کتاب ۲۰۰۴ او با نام «طمع و خوب: درک نابرابری که زندگی ما را محدود می کند^۵»، از مجله بررسی کتاب انجمن کتابخانه آمریکا، افتخار «عنوان

3. The Case for a Maximum Wage

4. حکومت اغنیاء

5. The Rich Don't Always Win: The Forgotten Triumph Over Plutocracy that Created the American Middle Class, 1900-1970

6. Greed and Good: Understanding and Overcoming the Inequality that Limits Our Lives

برجسته^۶ را به دست آورد. او همچنین، ویرایش مشترک دو کتاب دیگر را نیز بر عهده داشته است

پیزیگاتی که اکنون از جنبش کارگری بازنشسته شده، ویرایش نشریات ملی سه اتحادیه کارگری ایالات متحده را بر عهده داشته و عملیات انتشار بزرگ ترین اتحادیه آمریکا یعنی «انجمن آموزش ملی» را به مدت بیست سال، اداره کرده است. او اکنون به عنوان همکار در انستیتوی مطالعات سیاست^۸ در واشنگتن دی سی، مشغول به کار است و در آنجا، سردبیری مشترک سایت Inequality را انجام می دهد.

سام پیزیگاتی در یادداشتی در پایگاه Inequality نوشته است: چگونه می توان حمله به کنگره را درک کرد؟ آیا ممکن است برخی از چشم اندازهای تاریخی به ما کمک کند تا درک بهتری از چگونگی به خطر افتادن دموکراسی داشته باشیم؟ آیا این چشم انداز، می تواند ما را به

7. outstanding title

8. Institute for Policy Studies

یک مسیر امیدوارکننده تریس از ترامپ هدایت کند؟
یک تیم جهانی از مردم شناسان^۱ ایالات متحده و مکزیک، ممکن است عیناً نوع دیدگاه تاریخی موردنیاز ما را ارائه داده باشند. ممکن است در نگاه اول، تحقیقات تازه منتشرشده این تیم در مورد جوامع پیشامدرن^۲، بیش از حد به خشونت‌های روز چهارشنبه اوپاش (در حمله به کنگره) که میلیون‌ها آمریکایی را نگران به قهقرا رفتن دموکراسی کرده است، بی‌ربط به نظر برسد. درحالی‌که ما در دوره‌های پیشامدرن، هیچ دولت ملی دموکراتیک نداشتیم. چگونه تجربه‌های این کشورها می‌تواند به ما کمک کند تا بر ترامپسیم امروز، در هریک از مظاهر آن غلبه کنیم؟ چهار مردم‌شناس که نویسنده «فروپاشی اخلاقی و شکست دولت: نمایی از گذشته^۳» هستند، دولت‌های پیشامدرن را برمی‌شمارند که در واقع، امروزه برای ما اهمیت بسیاری دارند. اگر جرئت داشته باشیم و تعصب کنونی خود را تصدیق کنیم، فرضیه‌ای که مدرنیته نشان می‌دهد، یک خروج ریشه‌ای از جوامع قبلی و کمتر تکامل یافته تحت سلطه منافع شخصی اقتدارگرایان که قدرت سیاسی و منزلت الهی را در اختیار دارند، به‌عنوان «سنگ‌هایی در برابر اصلاحات خوب دولت» است.

درواقع، براساس توضیح ریچارد بلانتون^۴ و همکارانش از دانشگاه پردو^۵، دولت‌های پیشامدرن در دوره‌های مختلف، «شیوه‌ها و سیاست‌های دولت خوب مشابه دموکراسی‌های مدرن» را اتخاذ کرده‌اند. ما می‌توانیم این جوامع را با جامعه خود مقایسه کنیم و از آن‌ها درس بگیریم.
تیم بلانتون شامل گری فیمنن از بخش موزه میدانی مرکز تحقیقات یکپارچه^۶، استفان کووالوسکی^۷ از دانشگاه جورجیا ولنه فارگراز موسسه پلیتکنیک ملی در مریدا^۸، مکزیک است. چهارمی حدود ۳۰ دولت سیاسی پیشامدرن را در نظر گرفته و به دنبال آن، عناصر عمل «دولت خوب» است که بیشترین ارتباط را با سیاست امروز ما دارد. از جمله این عناصر، «ظرفیت حاکمیت و تمایل به جا دادن صدای شهروندان»، یک دادگستری منصفانه و یک سیستم مالیاتی عادلانه است. محققان همچنین، پرسیدند که چند دولت پیشامدرن کالاهای عمومی ارائه می‌دهند که مردم برای آن‌ها ارزش قائل هستند؟ چند دولت پیشامدرن، افرادی را که به طور خصوصی از منابع دولتی بهرهمند میشوند، شناسایی و مجازات کرده است؟ چند دولت پیشامدرن، رهبرانی را که محدودیت‌های قدرت خود را پذیرفته‌اند، دارد و می‌توانند

به‌نوعی به دلیل نقض این حدود «استیضاح» شوند؟
به‌طورکلی، چهار مردم‌شناس فقط چهار ایالت پیشامدرن را یافته‌اند که از نظر همه، این ویژگی‌های «دولت خوب» در دسته بسیار خوب ارزیابی می‌شوند. آن‌ها هشدار می‌دهند که ما در دنیای مدرن، دلیلی نداریم که نسبت به آن جمع ناچیز، احساس خوشبختی کنیم. محققان یادآور می‌شوند، حتی امروز تنها «اقلیتی از ملت‌ها» می‌توانند، «بله» قوی به ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب بدهند. چهار «دولت خوب» پیشامدرن که این محققان شناسایی کردند، امپراتوری مینگ چین، امپراتوری مغول در آسیای جنوبی، امپراتوری روم و جمهوری ونیز هستند که همه برای مدت طولانی، دوام آوردند و شکوفایی گسترده‌ای داشتند. سرانجام همه آن‌ها نیز سقوط کردند. بلانتون و همکارانش برای توضیح علت، به مطالعات موردی می‌پردازند.
سلسله مینگ که در اوایل قرن ۱۴ توسط یک امپراتور با ریشه دهقانی تأسیس شد، خود را مجری فلسفه کنفوسیوسی و تقویت «توانایی دولت برای خدمت به منافع عمومی جامعه» می‌دانست. این سلسله، «ظرفیت سازمانی برای طرح شکایت از شهروندان» و «اطمینان از مالیات عادلانه» را داشت. انبارهای غذایی مورد حمایت دولت، «خانواده‌ها را در برابر کمبود مواد غذایی و قیمت بیش از حد توسط بازرگانان غلات محافظت می‌کردند.» امپراتورها

4. Richard Blanton
5. Purdue University

6. Field Museum Integrative Research Center

7. The University of Georgia

8. The Instituto Politécnico Nacional

1. anthropologists

2. premodern societies

3. Moral Collapse and State Failure: A View from the Past

نیز با ممنوعیت‌های «توانگر سازی خود» روبرو شدند. شهروندان انتظار داشتند که آن‌ها رفتاری کم‌هزینه و ایثارگرانه داشته باشند اما این رفتار، در طول قرن شانزدهم خراب شد. اعتماد شهروندان به حاکمانشان از دست رفت و حاکمان آن‌ها نیز به طور فزاینده‌ای قادر به کنترل فساد در رتبه‌های اداری خود نبودند. این فساد به نوبه خود، موجب کاهش درآمد کالاهای عمومی شد؛ صفوف مستضعفان از هم پاشید، تولید غذا به ناگهان کاهش یافت، مانچوها از شمال حمله کردند و در سال ۱۶۴۴، به حکومت مینگ پایان دادند.

مثال دیگر، جمهوری ونیز است که در قرن ۱۲ شکل گرفت؛ خانواده‌های برجسته‌ای که «شورای عالی» حاکم بر ونیز را تشکیل می‌دادند، «اهمیت انسجام اجتماعی برای موفقیت جامعه» را تشخیص دادند. آن‌ها ثروت عظیم بخش خصوصی را دعوت به «فساد سیاسی که می‌تواند همبستگی جامعه را تهدید کند»، دانستند و دولتی «قادر به رفع نگرانی‌های شهروندان» ایجاد کردند. آن‌ها کسانی را که اعتماد عمومی را نقض کردند، از کار خود برکنار کردند. همین دولت بیش از هر کشور دیگر در اروپا، کالاهای عمومی از نور خیابان و امنیت غذایی گرفته تا آموزش عمومی و آسایش آسیب‌پذیرترین افراد جامعه را فراهم می‌کند. همه این اقدامات تا قرن هفدهم ادامه داشت تا اینکه ونیز، «کاهش تدریجی تعهد به

کالاهای اساسی و تشدید اختلاف بین ثروتمندان و فقرا» را شاهد بود. روم و امپراتوری مغول، داستان‌های مشابهی برای گفتن دارند. درسی برای زمان ما؟ دولت خوب، خواستار «رسیدگی کردن به قدرت، انتشار صدا، راه‌های مبارزه با فساد، پلیس، تأمین مالی عادلانه دولت، محدودیت‌های در مقابل حرص و آز و رهبری اختصاص یافته به خدمات عمومی است.» این خصوصیات، زمانی تحلیل می‌رود که جوامع، اجازه دهند ثروت متمرکز شود. رهبران راه خود را گم می‌کنند، اعتماد شهروندان از بین می‌رود و سقوط، در آن مرحله به سرعت می‌آید. بلانتون از پرودو خاطر نشان می‌کند: «یافته‌های ما بصیرتی را ارائه می‌دهد که باید در زمان حال، ارزش داشته باشد.» مهم‌ترین آن، این است که جوامع، حتی جوامعی که به خوبی اداره می‌شوند، مرفه هستند و مورد توجه بسیاری از شهروندان قرار دارند، سازه‌های انسانی شکننده‌ای هستند که می‌توانند، از بین بروند. تیم وی می‌بیند که ایالات متحده در آستانه این شکست قرار دارد و شهروندان، بیش از پیش در میان «نفوذ فزاینده افراد ثروتمند و گروه‌های وابسته» درک می‌کنند که «آن‌ها، سهم کمی در جامعه دموکراتیک قرار دارند.» مردم شناسان به این نتیجه رسیدند که «تغییر اقتصادی آمریکا در نابرابری‌های ثروت و درآمد، در پنج دهه گذشته»، همچنان موجب «کاهش اعتماد شهروندان» می‌شود. رهبران ملت، «آداب و رسوم جدید»

را پذیرفته‌اند که موجب تفریع پیدا کردن «ارزش سهامداران، آزادی شخصی، قومیت‌گرایی، رفیق‌بازی، ظهور منابع دولتی و شخصی و بزرگنمایی خودشیفتگی به طریقی که در اوایل تاریخ جمهوری ما دیده نمی‌شد»، می‌شود.

روز ششم سال ۲۰۲۱، نیویورک تایمز در سرمقاله صبح، پس از حمله تحریک‌شدگان توسط ترامپ به عمارت کنگره، از این روز «به عنوان یک روز تاریک» در تاریخ ایالات متحده نام برد و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا «آمریکا در آغاز نزول، به یک دوره حتی تاریک‌تر و تقسیم‌شده تبدیل می‌شود یا این، پایان یک دوره است؟»

کار محققان در پشت «فروپاشی اخلاقی و شکست دولت»، یک پاسخ ساده را نشان می‌دهد؛ هبوط ما به تاریکی تا زمانی که سرانجام و به طور قابل توجهی نزول ما به سطوح بیشتری از نابرابری معکوس شود، پایان نخواهد یافت (Pizzigati, 2021).

منابع:

Pizzigati, S. (2021). Our PostTrump Democratic Prospects: What the Ming Dynasty Can Tell Us. inequality.org. Retrieved from <https://inequality.org/greatdivide/ourposttrumpprospectsfordemocracywhatthemingdynastycantellus/>